

## **A Study of Language and Local-Climatic Factors in Contemporary Poetry of Mazandaran**

**Abdol reza Shirdast<sup>\*</sup>, Gholam Reza Pirouz<sup>\*\*</sup>**

**Fatemezahra Sadeghi<sup>\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

Locality and climate are of frequently used terms in environmental studies which, coupled with literary notions and ecology, have presented researchers with new, interdisciplinary research goals. Local and climate studies include any experience which reflects the interaction of a poet and his/ her immediate environment in his/ her imagination, language, thoughts or feelings. Local and climate poetry is a subjective poetry with a certain structure which simultaneously displays tradition and modernity. In this study, we aim to find an answer to this question: what roles have local-climatic elements played in the richness of mental and linguistic images of Mazandaran poetry? The present research is the result of examining 225 poetry collections of 50 Mazandarani poets (1350-1400). In it, we have attempted to classify local-climatic elements based on two major geographical and socio-cultural and nine minor features. From this perspective, the role of environmental elements and geographical messages they are trying to convey have been examined in all the existing stylistic tendencies, frameworks and genres in the poetry of Mazandaran. Findings of this study, regarding statistical data analysis, indicate that frequency of local-climatic elements is significant in socio-cultural feature of Mazandaran poetry in a way that customs and rituals, beliefs, colloquial terms, tradition and modernity,

\* Education Instructor, Babolsar, Iran (Corresponding Author), a.shirdast47@yahoo.com

\*\* PhD in Education Literature, Babolsar, Iran, Pirouz\_40@yahoo.com

\*\*\* Professor of Literature, Mazandaran University, Babolsar, Iran, fatemezahra.sadeghi@yahoo.com

Date received: 02/02/2021, Date of acceptance: 10/09/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

music and environmental approaches have been depicted in surface and deep structures of poems. Research methodology used in this study is a mixed method (qualitative and quantitative) which makes use of reference documents and reliable Internet sites.

**Keywords:** Mazandaran Poetry, Poets, Language, Local-Climatic Features, Geographical and Socio-Cultural Features.

## خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی - اقلیمی در شعر معاصر مازندران

عبدالرضا شیردست\*

غلامرضا پیروز\*\*، فاطمه‌زهره صادقی\*\*\*

### چکیده

بوم (local) از واژه‌های پرتکرار در حوزه دانش زیست‌محیطی است. این اصطلاح در پیوند با مفاهیم ادبی و دانش بوم‌شناسی (ecology) فصلی جدید را در مطالعات میان‌رشته‌ای گشوده است. منظور از ادبیات بومی - اقلیمی هر نوع تجربه‌ای است که در ره‌گذر زندگی یک شاعر با محیط پیرامون در خیال، زبان، اندیشه، و عواطفش انعکاس پیدا کند. شعر بومی - اقلیمی شعری سوبژکتیو با ارگانیک‌سازی است که سنت و مدرنیسم در بافت آن نمایان است. این جستار به دنبال پاسخ به این پرسش است که عناصر بومی - اقلیمی در غنای صورت‌های زبانی و ذهنی شعر مازندران چه نقشی‌هایی ایفا کرده است. پژوهش حاضر حاصل خوانش ۲۲۵ دفتر شعر پنجاه شاعر مازندران (۱۳۵۰-۱۴۰۰) است که در آن نویسندگان کوشیده‌اند تا عناصر بومی - اقلیمی را در دو کلان‌شاخصه جغرافیایی و اجتماعی - فرهنگی و در نه خردشاخصه صورت‌بندی کنند. از این منظر، نقش عناصر

\* دبیر رسمی ادبیات آموزش و پرورش مازندران، بابل‌سر، مدرس دانشگاه فرهنگیان، دکترای ادبیات،  
دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، a.shirdast47@yahoo.com

\*\* دکترای تخصصی ادبیات، استاد ادبیات، دانشگاه مازندران، عضو هیئت علمی ادبیات، دانشگاه  
مازندران، Pirouz\_40@yahoo.com

\*\*\* دکترای ادبیات، دانشگاه مازندران، دبیر رسمی ادبیات آموزش و پرورش مازندران، بابل‌سر، مدرس  
دانشگاه‌های غیرانتفاعی، fatemehzahra.sadeghi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵



محیطی و رسالت جغرافیایی در تمام گرایش‌های سبکی، قالب‌ها، و ژانرهای موجود در شعر استان مازندران واکاوی شده است. یافته‌های این پژوهش، باتوجه‌به تحلیل داده‌های آماری، نشان می‌دهد که المان‌های بومی-اقلیمی در شاخصه اجتماعی-فرهنگی شعر مازندران نمود قابل ملاحظه‌ای داشته، چنان‌که آداب و رسوم، باورها و اعتقادات، واژگان بومی، سنت و مدرنیته، موسیقی، و نگاه زیست‌محیطی در روساخت و ژرف‌ساخت سروده‌ها به‌تصویر درآمده است. روش پژوهش تلفیقی از نوع کمی و تحلیل محتوا با استفاده از منابع اسنادی و سایت‌های معتبر اینترنتی است.

**کلیدواژه‌ها:** شعر مازندران، شاعران، زبان، شاخصه‌های بومی-اقلیمی، شاخصه‌های جغرافیایی و اجتماعی-فرهنگی.

## ۱. مقدمه

امروزه در آثار هنری، تحقیق و پژوهش راجع به پیوستگی عناصر بومی-اقلیمی با شیوه نگرش مبدع اثر وجهی اجتناب‌ناپذیر است، زیرا عناصر اقلیمی در برآیند فضای گفتمانی آثار هنری نقش مهمی ایفا می‌کند و نادیده‌نگاشتن بازتاب اقلیمی و تصاویر محیطی موجب می‌شود تا بخشی از هنر شاعر مغفول ماند. اگر نگاهی گذرا به تطور مقوله‌های اقلیمی ادبیات منظوم و مثنوی در ادب کلاسیک و معاصر داشته باشیم، به نقش و کارکرد شاخصه‌های اقلیمی در زبان و نحوه تفکر نویسنده پی خواهیم برد. شاعران معمولاً از تحولات محیطی و عناصر بومی-اقلیمی تأثیر می‌پذیرند و آثارشان را تحت تأثیر شرایط فیزیکی و محیطی پیرامون خود می‌آفرینند. از آن‌جاکه شاعر متأثر از طبیعت زیستی خود است، به‌طبع بخشی از آن را در آثار خود انعکاس می‌دهد. به‌همین‌روی می‌توان گفت هر اقلیم ویژگی‌های فرهنگی و هنری خاص خود را دارد که بازتاب و تجلی آن را در آثار شاعران آن اقلیم می‌توان مشاهده کرد. از این منظر، برداشت شاعر کویرنشین از طبیعت با شاعر منطقه جنگلی و کوهستانی متفاوت است. با عنایت به این موضوع می‌توان گفت آب‌وهوای معتدل و مرطوب شمال ایران تأثیر زیادی در افکار و اندیشه به‌ویژه در طرز بیان و زبان شاعران پسانیمایی مازندران برجای نهاده است، زیرا آنان با عناصر محیطی خویش همواره در ارتباط‌اند و درطول زندگی، عوامل محیطی در فضای روحی، عاطفی، و احساسات آنان تأثیر نهاده است. از این نظرگاه، می‌توان گفت شاعران مازندران نیز در شعرشان وام‌دار صورت‌های اقلیمی زادگاه خودند و رسالت جغرافیایی و عناصر محیطی

نقش مؤثری در شکل‌گیری بافت زبانی اشعار طبیعت‌گرای این منطقه ایفا کرده است، چنان‌که شاعران این خطه با صورت‌های متکثر اقلیمی رنگی محلی بر شعر زدند و عناصر بومی - اقلیمی را در شعرشان پروردند.

پژوهش حاضر خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی - اقلیمی پنجاه شاعر معاصر امروز مازندران از ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ است. به‌نظر می‌رسد که خوانش پنج دهه شعر مازندران با توجه به فضای گفتمانی حاکم در هر دهه، به‌ویژه بسامد واژگانی شاخصه‌های اقلیمی، امری ضروری است، زیرا شاعران فارسی‌سرای این دیار پس از نیما در رشد و شکوفایی جریان‌های ادبی مشارکت داشتند و در پیش‌برد فرم و محتوای شعر نقش مؤثری ایفا کردند. مبدأ شعر معاصر مازندران نیماست و پس از او شاعران مازندرانی به‌نام دیگری از دهه سی به بعد چون ابوالقاسم هاشمی‌نژاد، احسان طبری، محمد ژهری، اسماعیل نوری‌علا، فرامرز سلیمانی، حسن هنرمندی، سلمان هراتی، تیرداد نصری، محمود معتقدی، منصور جعفری خورشیدی، و ... به‌تدریج به صف پیروان نیما پیوستند. هرچند شاعران مازندران در دهه ۱۳۵۰ از حیث فرم و تکنیک‌های ساختاری دچار رکود شدند و از منظر ایدئولوژیکی از فضای رمانتیسیسم اجتماعی دهه‌های گذشته بیرون نیامدند، در دهه ۱۳۶۰ با حضور در نشریات فرهنگی و ادبی کشور از این رکود دوری جستند. «در این مقطع شاعران مازندرانی آغازگر نبودند، بلکه ادامه‌دهندگان مشرب شاعران پایتخت بودند و توانستند فاصله‌شان را با شعر کشور نزدیک کنند و فضای تازه‌ای را تجربه کنند» (بذرافشان و اکبری ۱۳۹۶: ۱۹). در این سال‌ها، شاعران مازندران به خودباوری و استقلال رسیدند و هم‌پای جریان‌های شعری کشور حرکت کردند. شاعران مازندران نه تنها دبستان‌های ادبی شعر معاصر را پی می‌گرفتند، بلکه عده‌ای از آنان جریان‌های جدیدی را پایه‌ریزی کردند. تعدادی از آنان مانند بهمن بزرگی نوشهری، علی‌اکبر یاغی‌تبار، محمدعلی رضازاده، سیامک بهرام‌پور، مریم رزاقی، و ... پا از قالب کلاسیک فراتر نگذاشته و هم‌چنان به نوستالژی قالب غزل وفادار مانده‌اند، هرچند با تغییراتی در فرم نوآوری‌هایی داشته‌اند. گروهی دیگر از شاعران هم به‌شیوه کلاسیک و هم به‌شیوه نو طبع‌آزمایی کردند؛ مانند سلمان هراتی، اسدالله عمادی، ایرج قنبری، مصطفی علیپور، افشین علا. گروهی دیگر نظیر ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تیرداد نصری، محمود معتقدی، محمود فلکی، و فاطمه ملک‌زاده اختصاصاً به‌شیوه متشور مدرن روی آوردند. محمدصادق رئیسی و نرگس الیکایی هم‌پای جریان‌های ادبی معاصر به هایکوارها علاقه و اقبال نشان دادند. صدیقه محمدجانی با قالب سه‌گانی<sup>۱</sup> به‌پیروی از

علیرضا فولادی در قائم‌شهر آثار متعددی منتشر کرده است. تعدادی از شاعران مانند شمس آقاجانی، ناصر پیرزاد، و رجب بذرافشان به شعر هنجارگریز پسامدرن روی آوردند. برخی از شاعران مازندران نحله‌های جدیدی را همانند نیما در شعر معاصر بنیان نهادند؛ از جمله فرامرز سلیمانی از ساری در دهه ۱۳۶۰ بنیان‌گذار جریان نویی در شعر معاصر به نام «موج سوم»<sup>۲</sup> است و در دهه ۱۳۷۰ جلیل قیصری از شهرستان نور بانی «اساشعر»<sup>۳</sup> شناخته می‌شود. احسان مهدیان از شهرستان ساری خود را مبدع «شعر ارتعاش»<sup>۴</sup> در دهه ۱۳۸۰ می‌داند و در اواخر دهه ۱۳۹۰ مهدی خبازی از شهرستان بابلسر به پیروی از مشرب فلسفی دریدایی بنیان‌گذار «متن سیاه»<sup>۵</sup> است. هم‌چنین برخلاف مکتوبات معاصران باید گفت که شعر حجم پس از یدالله رؤیایی با ابوالقاسم هاشمی نژاد از شهرستان آمل شروع شد و با منصور جعفری خورشیدی از بهشهر ادامه یافت. باتوجه به جریان‌های موجود و تنوع شعر فارسی در مازندران، بررسی عناصر و شاخصه‌های بومی - اقلیمی شاعران فارسی‌سرای مازندران در پنج دهه دستورکار پژوهش حاضر است.

پرسش‌های اساسی این است که محورهای اصلی برجستگی‌های بومی - اقلیمی در گزاره‌های خیالین شاعران مازندران چیست و شاعران با چه راه‌بردهایی برجستگی‌های بومی - اقلیمی را در شعرشان انعکاس داده‌اند؟ از طرفی مهم‌ترین دغدغه شاعران این منطقه در طرح صورت‌های اقلیمی چیست و چه تأثیری در زبان، درون‌مایه، و فضای گفتمانی شعرشان داشته است؟ حدود پژوهش پنجاه شاعر مازندران از گلوگاه تا رامسر و مجموعه شعرهای منتشرشده آنان از ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ است. از منظر نوآوری، تاکنون پژوهشی به این وسعت در شعر امروز مازندران بر مقوله‌های بومی - اقلیمی صورت نگرفته است.

## ۱.۱ پیشینه پژوهش

درباره سروده‌های فارسی شاعران مازندران مقالات متعددی به‌نگارش درآمده است. در جهت موضوع این جستار، تنها اثر جدی مقاله‌ای با عنوان «کاربست شاخصه‌های اقلیمی - فرهنگی در شعر معاصر مازندران در جهت تقویت فرهنگ بومی (با رویکرد به سروده‌های اسدالله عمادی، علی‌اکبر مهجوریان، و جلیل قیصری)» به‌نگارش فاطمه‌زهرا صادقی و دیگران (۱۳۹۸) است. در این مقاله نویسندگان تلاش کردند تا مصادیق اقلیمی را، که با جریان‌های بومی هم‌سویی داشت، واکاوی کنند. تعدادی از مقاله‌ها و کتاب‌هایی که می‌توانند تکملاً بحث در این بخش باشند، در ادامه معرفی می‌شوند. «لحن عامیانه و شگردهای آن در شعر

فارسی امروز مازندران»، به نگارش عبدالرضا شیردست و غلامرضا پیروز (۱۴۰۰)؛ در این مقاله نگارندگان روش‌های پردازش لحن عامیانه را در شعر چهل شاعر مازندران دسته‌بندی و معرفی کرده‌اند. «سبک‌شناسی مجموعه‌شعرهای شاعران فارسی‌سرای مازندران با رویکرد لایه‌ای»، به نگارش عبدالرضا شیردست و دیگران (۱۳۹۸)؛ در این مقاله نویسندگان ۲۲ مقوله‌ وازگانی را در شعر بیست شاعر مازندانی با رویکرد لایه‌ای تحلیل کرده‌اند. «نقد و تحلیل مجموعه‌سروده‌های محمد زهری با تأکید بر محتوا و درون‌مایه»، نوشته‌ عباس حسن‌پور و علیرضا قاسمی (۱۳۹۵)؛ در این مقاله نویسندگان مجموعه کامل شعر محمد زهری را از منظر زبان و بلاغت با تأکید بر محتوا و درون‌مایه بررسی کرده‌اند. پژوهشی در شعر و زندگی سلمان هراتی؛ آشنای شالیزار، به قلم مهدی خادمی کولایی (۱۳۸۵) از نشر شلفین ساری؛ این کتاب راجع به نظرها و دیدگاه نویسنده و پژوهش‌گران پیرامون شعر و زندگی سلمان هراتی است. با نگاهی گذرا به پژوهش‌های پیشین مشخص می‌شود که محققان در آن پژوهش‌ها بر شعر فارسی مازندران تمرکز داشته‌اند، اما نکته تشخیص و تمایز این جستار تأکید بر شاخصه‌های بومی - اقلیمی شعر فارسی امروز مازندران است.

## ۲.۱ روش پژوهش

روش تحقیق (method of reserch) از مهم‌ترین مراحل انجام تحقیق است. روش تحقیق، فرایندی نظام‌مند و هدف‌دار برای پاسخ به سؤالات تحقیق است. درحقیقت موضوع، اهداف، و ماهیت اطلاعات و اسناد و مدارک تعیین‌کننده روش تحقیق است (احمدی ۱۳۹۴: ۳۵). روش تحقیق در این پژوهش تلفیقی از نوع میدانی، کمی، و کیفی است و تحلیل محتوا با استفاده از منابع اسنادی و سایت‌های معتبر اینترنتی انجام گرفته است که دفترهای شعر فارسی پنجاه شاعر مازندرانی با هدف خوانش شاخصه‌های بومی - اقلیمی در سه گام تبیین می‌شود.

گام نخست، در این گام مجموعه‌شعرهای شاعران استان مازندران (از گلوگاه تا رامسر) جمع‌آوری شده است. در این پژوهش، مصادیق ما گروهی از شاعران فارسی‌سرای مازندرانی است که مجموعه‌شعرشان از سال ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ چاپ شده و محل تولد آنان در مازندران بوده است. هم‌چنین، اولویت با شاعرانی بوده است که در جریان‌های ادبی شعر معاصر کشور مشارکت داشته یا جریان‌ساز بوده‌اند و سهم عمده‌ای در رشد و پیشرفت شعر استان داشته و حداقل دو مجموعه‌شعر منتشر کرده‌اند. البته شاعرانی که دو مجموعه داشتند

تعدادشان اندک است. عمده شاعران بیش از دو مجموعه منتشر کرده‌اند؛ برای نمونه، محمود معتقدی ۲۱ دفتر شعر، رجب افشنگ دوازده دفتر، و نرگس الیکایی دوازده دفتر از خود به جا نهاده‌اند.

گام دوم، به منظور آشنایی با روحیات شاعر و دست‌یابی به آثار ذوقی و پژوهشی پرسش‌نامه‌ای طراحی شده است و در آن سؤالاتی نظیر مشخصات شناس‌نامه‌ای، عناوین آثار ذوقی و پژوهشی، آثار منتشرشده، آثار در دست چاپ، سبک شعر، قالب شعر، شاعران و ژانرهای موردعلاقه، و موضوعاتی دیگر آمده است. سپس از خود شاعر یا از صاحب‌نظران، آشنایان، یا سایت‌ها و صورت‌های مجازی اطلاعات موردنظر اخذ شده است.

گام سوم، در این گام نویسندگان شاعران اقلیم‌گرا و مقوله‌های بومی - اقلیمی را در دو دسته عام و خاص صورت‌بندی و هریک از مقوله‌های عام و خاص را در همان صورت نخستین به مؤلفه‌های کوچک‌تر تقسیم کردند. در این تقسیم‌بندی، به دلیل گستردگی عمده دفترهای شاعران، نخست ویژگی‌های کلی و عمومی شاخه‌های بومی - اقلیمی بافتی در شعر را از طریق بررسی دفتر اشعار شناسایی کردند. پس از آن، ویژگی‌های شناخته‌شده را با «هنجار» سنجیده‌اند. بدین صورت، کل پیکره اثر ادبی یا همه آثار یک شاعر از طریق گزینش نظام‌مند صورت پذیرفته است. در این نوع گزینش، بخش‌های مختلف متن انتخاب شده که نشان‌دهنده کل اثر است. گاه نویسندگان، برای دریافت ویژگی‌های اصلی شاخه‌های بومی - اقلیمی شعر، اثر ادبی را مکرر خوانده‌اند تا یک یا چند ویژگی تکرارشونده را در آن پیدا کنند. پس از کشف ویژگی‌های فردی سروده شاعر، داده‌های موردنظر را به منظور دست‌یابی به ارزش هنری تفسیر کردند. نویسندگان در این تفسیر کارکردهای هنری و زیبایی‌های متن را دنبال می‌کنند و آن را با داده‌ها و اسناد زبانی متن پیوند می‌دهند و با بهره‌وری از این ابزار، محققان نقش منتقد ادبی را نیز ایفا می‌کنند.

از منظر ژانر ادبی در این پژوهش، کوشش شده است تا همه ژانرها اعم از غنایی، تعلیمی، حماسی، سیاسی، اجتماعی، و... از نظر دور نشود. از حیث فرم و قالب، نویسندگان توانستند شاخه‌های بومی - اقلیمی را در همه قالب‌های رایج شعر معاصر فارسی از کلاسیک (غزل، قصیده، مثنوی، رباعی، دوبیتی، چهارپاره، و...)، نیمایی، و مثنور (شاملویی، حجم، موج نو، موج سوم، شعر ناب، پسامدرن، کانکریت، پلاستیک، سه‌گانی، ارتعاش، و...) واکاوی کنند. از نگره جامعه‌آماری، قصد محققان بر این بوده تا از تمامی نقاط مازندران یک شاعر و از هر شاعر یک نمونه شعر در تحلیل مقوله‌ها بیاید که این مقصود حاصل شده است.



### ۳.۱ چهارچوب مفهومی

اگر به تأثیر جغرافیای طبیعی و انسانی در ادبیات اقلیمی اعتقاد داشته باشیم، در این صورت می توان از طریق ادبیات نیز به مطالعه جامعه ها، اقلیم ها، و فرهنگ ها پرداخت و با این نظریه به سمت شاعرانی رفت که در اقلیم مازندران از آغاز دهه ۱۳۵۰ تا پایان سال ۱۳۹۹ فعالیت چشم گیری داشته اند. محیط و جغرافیای طبیعی امکانات قابل توجهی برای ظهور و بروز نوآوری های شاعران مازندران فراهم آورده است. نیما از نخستین شاعران اقلیم گرای معاصر است که نه تنها در اشعار بومی خود (منظومه روجا)، حتی در اشعار فارسی بوم و اقلیم خود را معرفی می کند. شاعران مازندران نیز پس از سنت شکنی نیما از تأثیرات محیطی برکنار نماندند و با پیروی از نیما، برای غنای شعر موضوعات اقلیمی را در آن وارد کردند. شعر اقلیمی رأس هرم ادبیات بومی است و پس زمینه شعر کلاسیک محسوب می شود؛ با همان تقدیرگرایی سنتی و جزءنگری های عصیان گر، شعری سوپرناتیو با کلیتی ارگانیکی که چالش سنت و مدرنیسم در متن آن نمودی بارز دارد. پیوند با طبیعت، ایجاز، نوستالژیک گرایی پرداخت به عناصر آرکائیک، زبان محاوره، و تصویرگرایی از مشخصه های شاعران اقلیم گراست (داودی حموله ۱۳۹۳: ۲۰۷). تصاویر شعر اقلیمی برآمده از طبیعت و زیست بوم شاعر است. در این جهت، شاعر با گیاه، درخت، جنگل، کوه، دریا، و ... هم ذات پنداری می کند و می کوشد تا تصاویر بدیعی خلق کند. با عنایت به این موضوع، نویسندگان صورت های اقلیمی ۲۲۵ دفتر شعر شاعران معاصر مازندران را در دو کلان شاخصه جغرافیایی و اجتماعی - فرهنگی تبیین کردند. این کلان شاخصه ها مجدداً به چندین خردشاخصه تقسیم می شوند که در محل این بحث آن ها را با رسم جدول نشان می دهیم.

جدول ۱. کلان شاخصه ها و خردشاخصه های اقلیمی

شماره	کلان شاخصه ها	خردشاخصه ها	خردشاخصه ها	خردشاخصه ها	خردشاخصه ها
۱	جغرافیایی	محیط طبیعی	آب و هوا	گیاهان و حیوانات	اماکن
۲	اجتماعی - فرهنگی	آداب و رسوم و..	واژگان بومی	سنت و مدرنیته	نگاه زیست محیطی

### ۱.۳.۱ شاخصه های جغرافیایی

در نگاه کلی، شاخصه های سه گانه ای که در این جستار طرح شده به دو دسته خاص و عام قابل تقسیم است. شاخصه های اقلیمی خاص آن دسته شاخصه هایی هستند که ویژه حوزه جغرافیایی مازندران اند و به حوزه جغرافیایی دیگر نقاط کشور ارتباط ندارند، اما

شاخصه‌های اقلیمی عام می‌توانند با شاخصه‌های اقلیمی دیگر نقاط کشورمان مرتبط باشند. البته باید در نظر داشت که شاخصه‌های عام را نیز در سروده‌های شاعران مازندران از مقوله‌های اقلیمی این خطه باید به حساب آورد، گرچه عناصر عام در ظاهر می‌توانند با دیگر اقلیم کشور وجه اشتراک داشته باشند، اما شاعران مازندران تحت تأثیر همین محیط طبیعی و زیستگاهی‌شان به خلق آثار دست زدند. در شاخصه‌های جغرافیایی، مشابهت اوضاع جغرافیایی طبیعی در سروده‌های شاعران معاصر مازندران واکاوی می‌شود. این شاخصه‌ها عبارت‌اند از: طبیعت و محیط طبیعی (کوه دشت، جنگل، و دریا)، آب‌وهوا (رطوبت، هوای بارانی، هوای ابری، و مه‌آلود)، حیوانات، گیاهان، و اماکن (شهرها و روستاها).

### ۲.۳.۱ شاخصه‌های فرهنگی - اجتماعی

شعر مدرن مجالی برای عرصه شعر اقلیمی است و شاعر می‌تواند با پشتوانه‌های جغرافیایی و فرهنگی - اقتصادی آفرینش‌گر طرحی نو باشد و این تأثیر هم در روستا و هم در ژرف‌ساخت شعرش نمود پیدا کند. در شاخصه‌های فرهنگی - اجتماعی، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات، واژگان زبان بومی، سنت و مدرنیته، موسیقی، و نگاه زیست‌محیطی واکاوی شده است.

## ۲. بحث و بررسی

در این بخش، شاخصه‌های اقلیمی سروده‌های شاعران مازندران در دو محور جغرافیایی و اجتماعی - فرهنگی با توجه به چهارچوب مفهومی و به هم‌راه نمونه شعر تحلیل و تبیین شده است. یادآوری این نکته ضروری است که عناصر اقلیمی هر دو شاخصه در سروده‌های تعدادی از شاعران قابل ملاحظه است. به همین منظور اعداد، ارقام، و درصد‌های جدول‌ها از منظر آماری اشتراکی است. هم‌چنین، ارائه نمونه شعر در موضوعات اقلیمی با توجه به میزان رویکرد شاعران است.

### ۱.۲ شاخصه‌های جغرافیایی

#### ۱.۱.۲ طبیعت و محیط طبیعی (کوه، جنگل، دشت، و دریا)

پس از بررسی سروده‌های پنجاه شاعر، در مجموع ۳۷ شاعر مازندرانی بر مبنای میزان بسامد به شاخصه‌های جغرافیایی توجه داشته‌اند که با آمار و ارقام در چهار جدول نشان داده

خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی - اقلیمی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۲۳

می‌شود. در بررسی شاخصه‌های اقلیمی، به نظر می‌رسد برخی از مؤلفه‌های جغرافیایی می‌تواند با اقلیم دیگر اشتراک داشته باشد و به نوعی اختصاصاً از اقلیم مازندران به حساب نیاید. به همین منظور برای رسیدن به حقیقت نگرش اقلیمی شاعر البته فقط در این بخش، در جدول، علاوه بر قراردادن فراوانی «خاص»، معیار «عام» و «عام و خاص» نیز لحاظ شده است.

جدول ۲. میزان رویکرد شاعران به طبیعت و محیط طبیعی

شماره	طبیعت و محیط طبیعی	میزان فراوانی	درصد فراوانی	مجموع
۱	عام	۱۹	٪۵۱/۳۵	۳۷
۲	خاص	۵	٪۱۳/۵۱	۳۷
۳	عام و خاص	۲۲	٪۵۹/۴۵	۳۷

از نگره عام‌گونگی، شاعران در این بخش، علاوه بر انعکاس تصویر ساده و واقعی طبیعت مازندران، تعامل و گفت‌وگو با طبیعت را نیز مطرح می‌کنند. به بیان دیگر، طبیعت در شعر و واژگان حلول پیدا می‌کند و جزئی از آن می‌شود. آن‌چنان انسان و طبیعت را به هم نزدیک می‌بینند که بازجستن یکی را درون دیگری ممکن و زبان هریک را زبان دیگری می‌دانند (مختاری ۱۳۷۱: ۲۰۱). بسامد واژگانی شاخصه‌های اقلیمی عام مانند جنگل، کوه، دریا، ساحل، ابر، موج، درخت، جنگل، و... در سروده تعدادی از شاعران مازندران چشم‌گیر است. این برجستگی‌ها گاه مادی و ملموس و گاه با سودجویی از صورت‌های مجازی مانند استعاره پنهان و راه‌بردهای حس‌آمیزانه، ذهنی و خیالین است. از این منظر، شاعران از مقوله‌های اقلیمی عام در پی توصیفات ناتورالیستی شرح رنج رعیت، کشاورز، یا تبیین ماجراهای عاشقانه‌اند. در زیر چند نمونه از برجستگی‌های اقلیمی عام را می‌آوریم.

و شالیزار یک‌دست

هنگامی که گره می‌خورد در باد... بویش پیچیده در مندیل دختران شالی‌کار

(علی‌پور ۱۳۹۴: ۳۹)

شب به تار می‌زد

اِبرها در سطرهایی موزون

شعر باران را می‌سرودند

(نیتلی ۱۳۹۴: ۵۱)

ای لبانت به رنگ نارنگی!

رنج نارنج را به من بسپار!

(بهرام‌پرور ۱۳۹۴: ۱۰)

... آبی‌ترین صدای ساکت دریا را

روی فلس ماهیان جهنده

زیر پرش‌های نرم امواج

منتشر می‌کند

(جعفری خورشیدی ۱۳۹۶: ۷۳)

کوتاه/ در آخرین وسوسه باران

به دست‌های تو می‌رسم!

(معتقدی ۱۳۹۱: ۱۹۱)

از دیدگاه دیگر، گاه طبیعت و محیط طبیعی به شکل خاص (طبیعت مازندران) و گاه به هر دو شکل عام و خاص (طبیعت ایران و جهان) در سروده‌های شاعران مازندران نمود داشته است. همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده‌ایم، پنج تن از شاعران از مؤلفه‌های طبیعی به شکل خاص، نوزده تن از مؤلفه‌های طبیعی به شکل عام، و ۲۲ تن از مؤلفه‌های طبیعی به شکل خاص و عام نام بردند. شاخصه‌های اقلیمی سروده‌های شاعرانی چون سلمان هراتی، جلیل قیصری، علی‌اکبر مهجوریان، محمود جوادیان کوتنایی، و سایر محمدی غالباً بومی و تجربی با عناصر اقلیمی خاص همراه است. این گروه در این بخش اقلیم‌گراترین شاعران مازندران هستند. برای نمونه، واژگان بومی - اقلیمی سروده‌های جلیل قیصری را معمولاً اسامی درختان مانند «ازار» (Ezar)، «میمرز» (Memraz)، «تلاجن» (Talajan)،<sup>۸</sup> اسامی اشیا مانند «جانتی» (Jantei)،<sup>۹</sup> «لامپا» (Lampa)،<sup>۱۰</sup> و اسامی حیوانات مانند «شوکا» (Shooka)،<sup>۱۱</sup> ورزا (Verza)<sup>۱۲</sup> تشکیل می‌دهند، چنان‌که شاعر با استفاده از صورت‌های نمادین به موضوعات اجتماعی - فرهنگی پیوند می‌زند. به همین منظور، می‌توان گفت طبیعت و اقلیم از موتیف‌های برجسته این شاعر محسوب می‌شود.

و گرازانی گر

به شب‌چره

در روشنای "گول سوی" (gulsu)<sup>۱۳</sup> بینجگر (binjegkar)<sup>۱۴</sup> پیر... (قیصری ۱۳۷۳: ۳۳)

در شعر عده‌ای از شاعران، طبیعت و محیط طبیعی درونی شده و به آنان هستی بخشیده است. این تجربه آگاهانه و پیوند با طبیعت و اقلیم به‌همراه ذوق و عاطفه شاعرانه در جهت عشق مفرط به زادگاه موجب شده است تا فضای رمانتیسیم اجتماعی و سیاسی در شعرهایشان نمود بارز یابد. در این امر، شاعر عمدتاً برای بیان واقعیت‌های تلخ و شیرین زندگی از محیط طبیعی خود بهره می‌برد، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت نوع نگاه شاعر به طبیعت و جغرافیای طبیعی اطرافش از نوع کشف و تجربه زیستی خود اوست. در برخی از سروده‌ها، نگاه شاعران از حد توصیف طبیعت فراتر رفته و این اشعار گزارش‌گونه و نگاه سطحی و روساختی فاقد جهان‌بینی لازم برای تحلیل عناصر اقلیمی و به‌چالش کشیدن مؤلفه‌های آن است. به‌بیان‌دیگر، کشف یا بازآفرینی در این سروده‌ها وجود نداشته است و شاعران با عینک پیشینیان و مضامین دست‌فروخته آنان زبان به سرودن گشودند. گروهی از شاعران مانند سلمان هراتی، رجب افشنگ، ایرج قنبری، مصطفی علیپور، و احسان مهدیان عناصر اقلیمی را در جهت پیش‌برد اهداف ایدئولوژیک خود به‌کار گرفته‌اند، اما چند تن دیگر از شاعران غالباً به جهان و هستی ذهنیت انتقادی دارند و با نگاه اقتدارگرایانه به‌سمت استعاره‌ها و نمادهای عصیان‌گر پیش می‌روند. این گروه با توسل به فضاهای ملموس عناصر طبیعی محیطی به مضمون‌سازی روی آورده و به‌سمت ادبیات رمزی و نمادین پیش رفته‌اند و سروده‌هایشان، که دربردارنده اعتراض به نابه‌سامانی‌های اجتماعی است، با طنزی گزنده همراه است.

... شالیزار سرت سبز باد!

ای دانه‌ای که

بر بام آفتاب‌گیر شالی‌خانه

بی‌تاب روزن سرزدن از خاکید

فردا زنان آبادی

و چشم‌هایی درنهایت اندوه

شما را در تو می‌جار (tomejar)<sup>۱۵</sup> می‌پایند...

(هراتی ۱۳۶۸: ۵۶)

و جنگل

میدان است

و هر درخت، سوار است

پا در رکاب گردباد  
می‌پیچد و پیش می‌آید  
و عشق را  
در مالنگا، مالنگا (maleanga)<sup>۱۶</sup>  
شعله‌ور می‌کند

(علی‌پور ۱۳۷۲: ۵۷)

غروب روستا بود و من و تندیر (Tandeer)<sup>۱۷</sup> نان گرم  
چه نفرینی مرا کرده است پابند صدای شهر  
(کرمدخت ۱۳۸۰: ۷)

خسته‌ام از خیابان‌های شیک  
پارک‌های خشک و خالی از تلیک (talieq)<sup>۱۸</sup>  
هیچ دستی در خیابان‌های شهر  
توی مشت من نمی‌ریزد ولیک (valieq)<sup>۱۹</sup>...  
هیچ می‌دانی چه می‌خواهد دلم؟  
آه مادر، آه مادر، بشته‌زیک (beshtezieq)<sup>۲۰</sup>...

(علا ۱۳۸۸: ۹۳)

## ۲.۱.۲ آب‌وهوا (رطوبت، هوای بارانی، هوای ابری، و مه‌آلوده)

رویکرد شاعران در محل این بحث به آب‌وهوای بارانی، شرجی، مه‌آلود چشم‌گیر بوده است، به طوری که از بین این پنجاه تن، ۲۳ شاعر به شکل خاص به آب‌وهوای مازندران اشاره داشته‌اند، ۲۲ تن به شکل عام از آن یاد کرده‌اند، و هجده تن دیگر نیز به هردو شیوه از این مؤلفه سود جستند.

جدول ۳. میزان رویکرد شاعران به آب‌وهوا

شماره	آب‌وهوا	میزان فراوانی	درصد فراوانی	مجموع
۱	عام	۲۲	٪۵۹/۵۴	۳۷
۲	خاص	۲۳	٪۶۲/۱۶	۳۷
۳	عام و خاص	۱۸	٪۴۸/۶۴	۳۷

خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی - اقلیمی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۲۷

شاعران مازندران با تکیه بر مؤلفه آب‌وهوا، به صورت خودآگاه و ناخودآگاه، به بیان آمال و آرزوها و دردها و رنج‌های خود پرداخته‌اند، به طوری که واژه «باران» در بیش‌تر سروده‌هایشان تکرار معناداری دارد و هرکدام نگرشی متفاوت را ارائه دادند. برای نمونه، علی‌اکبر مهجوریان و علیرضا حکمتی را به سبب کثرت استعمال واژه باران در جای‌جای سروده‌هایشان می‌توان شاعران باران نامید. با این تفاوت که نگاه حکمتی به «باران» معمولاً مثبت و عمدتاً نماد طراوت، شادابی، تحول، و دگرگونی است، اما نگرش مهجوریان غالباً منفی است. صورت‌هایی استعاری که مهجوریان از باران ارائه می‌دهد، دربردارنده مفاهیمی چون «غم، اندوه، دل‌گرفتگی، ویران‌گری، و خانه‌براندازی» است. در پاره‌ای از سروده‌ها، این موتیف نماد مبارزه و در پاره‌ای دیگر نماد سدی در برابر آرزوهاست.

در زمستان این حوالی، همیشه بارانی اما  
مه همه‌جا را گرفته است، و چشم چشم را نمی‌بیند  
این‌جا که باشی، دلت همیشه می‌گیرد  
و باران بی‌داد می‌کند

(مهجوریان ۱۳۹۲: ۶)

کمی دورتر از دریا و باران  
مهمان تازه مازندران!  
حق با شماست  
چه قدر مرا از تو دور کرده است  
تهران

(حکمتی ۱۳۹۰: ۷۱)

کردیم دعا پشت دعا تا باران...  
گفتیم که مرگمان خدا... یا باران...  
شد دست کویرمان که خالی از بذر  
با معجزه‌ای سبز شود با باران

(محمدجانی ۱۳۹۴: ۳۸)

گم می‌شوم در لابه‌لای ابرها  
با هیئت باران نزول می‌کنی  
گم می‌شوی در لایه‌های خاک  
با هیئت جنگل صعود می‌کنی

(باقری ۱۳۸۶: ۸۲)

باریدمت اگرچه که باران نبوده‌ام  
مازندران ابری آبان نبوده‌ام

(رزاقی ۱۳۸۹: ۹)

به ابری دل می‌بندم  
به دود  
به دودکش سیاه  
به یک کتاب که درباره ابر است  
و در او باران نمی‌بارد...

(یاوری ۱۳۹۵: ۳۹)

گفتی: شمالی!

ابر بالای سرت همیشه نوید باران نیست  
و رودهایی هستند که از راه فاضلاب به دریا می‌رسند...

(خانجانی ۱۳۹۴: ۴۵)

### ۳.۱.۲ گیاهان و حیوانات

گروهی از شاعران در تصویرسازی‌های خود از پوشش گیاهی و جانوری مناطق خود بهره برده‌اند. البته تعدادی شکل عام دارد و تعدادی هم خاص اقلیم مازندران است. در این میان، یازده شاعر به شکل عام، دو شاعر به شکل خاص، و سیزده تن به شکل عام و خاص به این مقوله پرداخته‌اند.



جدول ۴. میزان رویکرد شاعران به گیاهان و حیوانات

شماره	گیاهان و حیوانات	میزان فراوانی	درصد فراوانی	مجموع
۱	عام	۱۱	٪۲۹/۷۲	۳۷
۲	خاص	۲	٪۵/۴۰	۳۷
۳	عام و خاص	۱۳	٪۳۵/۱۳	۳۷

در این بهره، تعدادی از شاعران نظیر جلیل قیصری و سایر محمدی در محیط روستایی، جنگلی، و کوهستانی با گیاهان و جانوران هم‌زیستی داشته‌اند. این دو تن با زبانی ساده و روشن به‌مدد شگردهای بلاغی در روایت‌ها و توصیف‌گری‌های خود، گاه حقیقی و گاه استعاری و نمادین، از این مقوله سود جستند. برای نمونه، جلیل قیصری از تجربیات بومی خود از زمستان‌گذرانی گرگ‌ها به اجتماع نقب می‌زند. گرگ بن‌مایه سروده این شاعر است که مظهر آزادی و آزادگی است. به‌نظر می‌رسد که بن‌مایه این تفکر شعر «سگ‌ها و گرگ‌های» شاندر پتوفی، شاعر مجاری، و مجموعه اشعار زمستان اخوان ثالث باشد. سایر محمدی با تکیه بر طبیعت‌سرایی، تکانه‌های بلاغی متعددی را با توجه به گل‌ها و گیاهان بومی از محیط زندگی خود نقش می‌زند و به‌مدد تشبیهات روشن و جان‌دارپنداری، طبیعت شمال را در اشعارش انعکاس می‌هد که حاکی از پیوند عمیقش با محیط و اقلیم مازندران است.

دنیا که آمدم برف می‌بارید

قابله تا نافم برید

توله‌گرگی در من زوزه کشید

زندگی راه افتاد...

(قیصری ۱۳۹۳: ۵)

شونگ (shongh)<sup>۲۱</sup> وزغ‌ها در زاغه‌ها

در کبود کوچه

پچ‌پچه پاپلی (papeli)<sup>۲۲</sup>

دارکوبی مرده

کنار خندق خاموش

(محمدی ۱۳۷۳: ۴۷)

پشت پرچین غروب  
منقل آتش می‌گیرد  
گل ککیما (kakiema) <sup>۳۳</sup> را می‌بوسم  
... نیلوفرهای آب‌بندان  
به من رشک می‌برند

(اسماعیل پور ۱۳۹۶: ۱۲۱)

#### ۴.۱.۲ اماکن، مناطق، و شخصیت‌ها

عده‌ای از شاعران با توصیف اماکن، شهرها، روستاها، و شخصیت‌های تاریخی و پهلوانی محل سکونت خود، دست مخاطب را می‌گیرند و با خود به سفری در کوچه‌پس‌کوچه‌های دیار خویش می‌برند. در واقع، نوعی توریسم ادبی را به یاری گزاره‌های شعر برگزار می‌کنند. در این بهره، سیزده تن به شکل خاص، دو تن به شکل عام، و سه تن به هر دو شیوه به این مقوله توجه داشته‌اند.

جدول ۵. میزان رویکرد به اماکن و مناطق

شماره	اماکن	میزان فراوانی	درصد فراوانی	مجموع
۱	عام	۲	۵/۴۰٪	۳۷
۲	خاص	۱۳	۳۵/۱۳٪	۳۷
۳	عام و خاص	۳	۸/۱۰٪	۳۷

برای نمونه، فرامرز سلیمانی شاعری است که در سیروسفر شاعرانه خود نگاهی به درون زندگی دارد. عمدتاً بهانه‌ای برای جست‌وجو از گذشته به حال دارد. اسدالله عمادی، با سرودن منظومه‌ای عاشقانه برای شهرهای مازندران، علاقه و اقبالش را برای بازگشت به سرزمین مادری بیان می‌کند و برای جاودانگی زادگاهش عاشقانه می‌سراید. عمده این شعرا با حسرت از سرزمین مادری یاد می‌کنند و در نوستالژی تاریخی دست‌وپا می‌زنند.

امیربابک

باز دلیر، باز قلعه برز

گرشا مازیار

خوانش برجستگی های زبانی و بومی - اقلیمی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۳۱

تپوری گتِ مرد (katemard)<sup>۲۴</sup>

سردار سوارگان آن سوی البرز

(سلیمانی ۱۳۶۸: ۳۴)

آملِ دونیمه است

و در دو سوی رود

و چندین پل...

با بوی جوی مولیان به رینه می روم

از رینه تا نمار

و از چلاو تا نوا

ارگستر هم سرایی آلاله های صحرائی است

(عمادی ۱۳۹۵: ۴۱)

... از تمام پاسگاه های هراز بی وقفه گذشتید...

آغوش تو یادش به خیر ای بندپی لذت!

آغوش تو یادش به خیر ای جان من خزر!

آغوش تو یادش به خیر ای کرسی کودک خردونکلا!

(پیرزاد ۱۳۷۷: ۱۷)

... از تمام زندگی برایم

همین دریای خزر مانده

...ویلاهای ساحلی

خانه های کلاردشت

(مهدیان ۱۳۹۲: ۴۱)

من در میهنم هستم

هم چنان که

پرسه می زدم و

پرسه می زدم خیابان های پر از نارنج شهسوار

(نصری ۱۳۹۳: ۱۱۱)

هوای کوی تو کردم به غربت، نوشهر ای نوشهر  
بین رخساره زردم به غربت، نوشهر ای نوشهر  
در این ویران سرا عمرم به تاراج اسیری رفت  
به هرجا می‌برم نامت به حسرت نوشهر ای نوشهر

(بزرگی نوشهری ۱۳۸۸: ۱۸۵)

انار است و تپه‌های نجیب  
شُرُش درکا و خروش سیاه‌رود  
با شکیب بلند مردمانش  
هم پشت و هم غم  
... تا سهم هرکدام ادا شود  
کوئنا  
رَج عمر من است  
با شادی‌های کوچک کودکی...

(جوادیان کوتنایی ۱۳۸۷: ۴۴)

## ۲.۲ شاخصه‌های اجتماعی - فرهنگی

شاعر اقلیمی به پدیده‌های پیرامون خود، به‌ویژه مقوله‌های اجتماعی - فرهنگی، نگاهی نو دارد و افکار و روحیاتش آمیخته از تضادها و کشمکش‌هاست. در گزاره‌های شاعر اقلیمی آداب و رسوم، سنت‌ها، آهنگ‌ها، و موسیقی طبیعت با خلاقیت خاص حضور چشم‌گیری دارند، زیرا شعر مدرن مجاللی برای عرضه شعر اقلیمی است و شاعر با پشتوانه‌های جغرافیایی، فرهنگی، و اقتصادی آفرینش‌گر طرحی تازه است که این تأثیر در روستا و ساخت و ژرف‌ساخت شعرش نمود پیدا می‌کند. در شاخصه‌های اجتماعی - فرهنگی، مشابهت امور فرهنگی و اجتماعی در سروده‌ها واکاوی شده است که آن را با رسم یک جدول نشان می‌دهیم.

جدول ۶. میزان رویکرد به شاخصه‌های فرهنگی - اجتماعی

شماره	شاخصه‌های فرهنگی - اجتماعی	میزان فراوانی	درصد فراوانی	مجموع
۱	آداب و رسوم	۷	٪۱۶/۶۶	۴۲
۲	واژگان بومی	۱۲	٪۲۸/۵۷	۴۲
۳	سنت و مدرنیته	۲۰	٪۴۷/۶۱	۴۲
۴	موسیقی بومی	۷	٪۱۶/۶۶	۴۲
۵	نگاه زیست‌محیطی	۱۳	٪۳۰/۹۲	۴۲

### ۱.۲.۲ آداب و رسوم، باورها، و اعتقادات

شعر اقلیمی می‌تواند توصیف درونی یک زندگی اجتماعی، راه‌یابی به فرهنگ، و آداب و رسوم مردمی خاص با ارزش‌های تازه و متفاوت باشد. شاعر اقلیمی مازندران بر این باور است که تجربیات زیستی، که از باورهای قومی، تاریخی، و تقویمی نشئت می‌گیرد، اگر با سازوکارهای دیگر هنر کلامی هم‌ساز شود، می‌تواند دستاورد خوبی داشته باشد. به بیان دیگر، تجربیات زیستی منشعب از آداب و رسوم شناس‌نامه خودآگاه و ناخودآگاه ذهن و روان انسان است و از طرفی اشاره به باورها و آداب و رسوم مردم مازندران موجب برجستگی فرهنگی - اجتماعی سروده‌های شاعران مازندران می‌شود. بدین منظور، شاعران تلاش می‌کنند تا از تعبیر عامیانه بهره ببرند، زیرا واژگان و تعبیر عامیانه ظرفیت قابل توجهی در حجم، گستردگی، و اندازه شعر دارند. زبان این گروه از شاعران گاه محاوره‌ای است و در مواردی که بخواهند از زبان افراد فرودست جامعه سخن می‌گویند. باتوجه به جدول ۶، هفت شاعر، یعنی ۱۶/۶۶ درصد، رویکردشان به آداب و رسوم، باورها، و اعتقادات است.

در آن سوی پنجره مردی که دهانش خالی است

گریه‌ای را دم حجله کشته است

و زن کفش‌هایش جفت شده

دامنش تا آن سوی شهر تاب برداشته است

(الیکایی ۱۳۸۱: ۹۸)

در کفش‌های نگهبان فلفل ریخته‌ام که برنگردد

(ملک‌زاده ۱۳۹۴: ۲۳)

روزهایی که قسمت هرکس رد پرواز کفش دوزک بود

(نشاطی ۱۳۸۲: ۳۶)

## ۲.۲.۲ واژگان بومی و محلی

جهان برای اشخاصی که واژگان متفاوت به کار می‌برند، متفاوت نمایان می‌شود (هنله ۱۳۷۲: ۸۲). واژگان یک زبان در شکل‌گیری شعر اقلیمی، ایجاز، نوآوری، و درهم‌ریختن الگوهای از پیش تعیین شده نقش اساسی ایفا می‌کند. محیط زیست بیش‌ترین تأثیر را در سطح واژگانی زبان دارد. واژگان موجود در یک زبان بیش از هرچیز دیگری به‌طور واضح منعکس‌کننده محیط اجتماعی و فیزیکی سخن‌گویان آن زبان است و در واقع می‌تواند به‌مثابه فهرست پیچیده‌ای از دستاوردهای فکری - فرهنگی باشد که مورد توجه آن جامعه است. از این فهرست زبانی می‌توان تا حد زیادی مشخصه‌های فیزیکی محیط، ویژگی‌ها، و فرهنگ مردمی را دریافت که آن زبان را به کار می‌برند. سایپر (Syper 1884-1939) معتقد است کل واژگان یک زبان سیاهه پیچیده‌ای از اندیشه‌ها، تصورات، علایق، و مشاغلی است که توجه آن قوم را به خود جلب کرده است (پارساپور ۱۳۹۲: ۶۲). تعداد زیادی از شاعران مازندران تلاش می‌کنند تا هم‌چون نیما زبان بومی را در سروده‌های فارسی خود بگنجانند که هویت زبان مادری خود را در کنار زبان رسمی به مخاطبان بشناسانند. کاریست واژگان مازندرانی که عموماً به مکان‌ها، درختان، و جانوران دلالت دارد، بیان‌گر اهمیت این کلمات در نمود شرایط اقلیمی و زیستگاهی شاعر است. عمده این شعرا با کاریست واژگان مازندرانی نمادگرایی می‌کنند و به مقوله‌های اجتماعی نقب می‌زنند. باتوجه به جدول ۶، دوازده شاعر، یعنی ۲۸/۵۷ درصد، به این مقوله گرایش داشتند که در این میان، جلیل قیصری، سردمدار شعر محلی مازندران و بانی «اساشعر»، گوی سبقت را از دیگران ربوده است و بعد از او سلمان هراتی و دیگر شاعران قرار می‌گیرند.

آنک تلاجنی (teiajen)<sup>۲۵</sup> در معبر زمان

سایه‌سار دل‌های رونده است...

ری را (reera)<sup>۲۶</sup> بر پلکان دل

به‌عبث شال حوصله می‌بافد

(قیصری ۱۳۷۳: ۳۴-۳۵)

... و ما چو لیسکی (liecek)<sup>۲۷</sup> به پشت سرد خاک

دل دگر ز آرزوی زنده پاک

راه رفته بسته، راه مانده بیم‌ناک

(زهری ۱۳۸۱: ۱۶۹)

خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی - اقلیمی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۳۵

و صبوری قامتت را انحنای

که بی‌مویی و بوری (biamo boori)<sup>۲۸</sup>

و گلی که تحلیل می‌رواند

کشتل و وروش وش (keshtel)<sup>۲۹</sup>

ایتنا لته‌لته (inta late late)<sup>۳۰</sup> و تو تحلیل می‌روی

چارودار خسه (charvedar)<sup>۳۱</sup>

نومزه کهو بخت (nomze kahoo bakht)<sup>۳۲</sup> و تو تحلیل می‌روی وش

(خبازی ۱۳۸۴: ۶۸)

... و خواب‌هایم را

آشفته "واش" (vash)<sup>۳۳</sup> های مزاحم...

(مهجوریان ۱۳۸۸: ۲۵)

شبی که شاعر پاییز می‌شوی، کیجا (kiga)<sup>۳۴</sup>!

شبیبه شعر، غم‌انگیز می‌شوی، کیجا!

(یاغی تبار ۱۳۹۳: ۶۹)

### ۳.۲.۲ سنت و مدرنیته

شاعران غالباً برای روایت سنت و مدرنیته از موتیف آشنای شهر و روستا سود می‌برند. انعکاس دل‌زدگی از شهر و سایه‌های دل‌گیر پیشرفت صنعت، مدرنیسم، حس نوستالژی، و مهر به روستا در کانون توجه شاعران و نویسندگان اقلیم گراست. علاوه‌براین، گریز از شهر، تصویر نامطلوب از مظاهر شهرنشینی، تمایل به روستا، توصیف پاکی و زیبایی روستا و روستانشینان، پررنگی قواعد و قوانین در شهر، و کم‌رنگی آداب‌ورسوم سنتی در آن تأسف از ورود عناصر شهری و شهرنشینان در روستا، بیان غربت، سرگشتگی و مشکلات روحی در شهر، اشاره به وضعیت روستاها، مهاجرت روستاییان به شهرها، دورشدن از زندگی ساده، و رواج زندگی ماشینی و آپارتمان‌نشینی از موضوعاتی است که در عمق روح شعرا رخنه کرده و درنهایت در آثارشان ظهور یافته است. در جدول ۶، بیش‌ترین آمار از آن روایت سنت و مدرنیته است که توجه بیست شاعر، یعنی ۴۷/۶۱ درصد، را به‌خود معطوف داشته است.

جغرافیای جعلی‌اش را خوب گشتم  
تهران‌تان یک ذره بابل‌سر ندارد

(رضازاده ۱۳۹۵: ۱۱۴)

کاش من اهل ده گم‌شده‌ای بودم با  
دخترانی که به سر کوزه و گندم دارند

(رنجبر ۱۳۹۱: ۷۰)

پایین بازار

با صنوبرهای صبور

... و هراز- شریان جوشان زندگی-

روایت البرز و جنگل را

از چاکسر مهربان- همسایه همیشه پایین بازار-

در مسیر دهکده‌های آبی

عبور می‌داد

(پیروز ۱۳۹۰: ۵۰)

## ۴.۲.۲ موسیقی

موسیقی زبان مشترک مردم دنیاست، اما موسیقی بومی و محلی می‌تواند ابزاری برای معرفی و انتقال فرهنگ قومی خاص به دیگر نقاط باشد. در اقلیم مازندران، مردان هیزم‌شکن در جنگل‌ها، شالی‌کاران در دشت‌ها، و چوپانان در کوه و دره‌ها با آواز و ترانه‌های بومی غم‌ها و آرزوهایشان را تسکین می‌دادند، حتی زنان در رسیدگی به امور منزل ترانه‌سرایی می‌کردند. گوشه‌های موسیقی بومی مازندرانی در سروده‌های شاعران این اقلیم بسامد چشم‌گیری دارند که معروف‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: «طالب، امیری، کتولی، لیلی‌جان، مشتی برار، نجما، کمرسری، غریبی، رَج‌خوانی، گلی به گلی». شاعران با آوردن گوشه‌های موسیقی گاه از رنج طبقه کشاورز و دام‌دار یاد می‌کنند و گاه به‌علت دوری از شهر و دیار خود دل‌تنگی می‌کنند و ناله سر می‌دهند. باتوجه‌به جدول ۶، هفت شاعر، یعنی ۱۶/۶۶ درصد، در سروده‌هایشان به این مقوله پرداخته‌اند.



خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی - اقلیمی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۳۷

بعد از تو

در صدای چوپان

اشک از دوچشم ”لیلی جان“ آمده

... بعد از تو

بالا کشیده شد

سوی فانوس

بردست دسِ برار (dacberar)<sup>۳۵</sup> ...

(مهجوریان ۱۳۸۸: ۴۲)

دلم تنگ ”کتولی‌های“ زیباست

و دل‌تنگ هوای ”یوش“ و ”نیما“ ست

از این تکرار و زردی خسته‌ام شعر

دلم در حسرت شالی و دریاست

(حکمتی ۱۳۹۰: ۹۲)

اگر نجما نخواند عشق می‌میرد

همان بهتر که نجما، عشق را در خود بگرید تلخ

(عمادی ۱۳۸۶: ۲۶)

... مرد شالی

برای آرزوهایش امیری می‌خواند

مادری که دریا پسر دوش را بلعیده

دریا را به چه رنگ می‌بیند؟

(توکلی ۱۳۹۶: ۹)

## ۵.۲.۲ نگاه زیست‌محیطی

انسان جزئی از طبیعت است و سرشت وی نیز با آن هم‌پیوندی دارد. بحران محیط‌زیست، طی نیم قرن گذشته، هرچند محصول فناوری‌های شاخه‌های علوم تجربی است، انسان متمدن را به بازبینی افکار و عملکرد گذشته خویش وامی‌دارد. وضعیت کنونی محیط‌زیست گویای این واقعیت است که دنیای مدرن امروز، درکنار رشد جمعیت، محیط و منابع طبیعی

را تخریب کرده است. امروزه بحران زیست‌محیطی ابعاد فراملی پیدا کرده است و هم‌فکری و همکاری جهانیان را در امر حفاظت از آن می‌طلبد. عوامل اصلی این بحران کاهش منابع انرژی، افزایش جمعیت، کاهش معادن، از بین رفتن چشم‌اندازهای طبیعی، آلودگی هوا، آلودگی آب، افزایش گازهای گل‌خانه‌ای، تخریب لایه ازن، آلودگی صوتی، انقراض گونه‌ها، دفع نامناسب زباله‌ها، و... است. گسترش شهرنشینی و رشد بی‌رویه و انسان‌محور فناوری در شکل‌گیری هریک از این عوامل کاملاً روشن است (پارساپور ۱۳۹۱: ۹). شاعران مازندران دریافتند که شعر اقلیمی و رواج آن در سطح وسیع می‌تواند عملکرد نادرست انسان در برابر طبیعت را ترمیم کند. نگرش زیست‌محیطی و تعامل آنان با طبیعت پیرامونشان زمینه را برای ملاحظات زیست‌محیطی در جامعه فراهم می‌آورد و رابطه انسان با طبیعت بسیار مؤثر واقع می‌شود. در برخی از سروده‌ها واژگان بومی - اقلیمی به کار رفته است، اما شاعران عمدتاً از صورتهای اقلیمی عام سود برده‌اند و بیش از همه به موضوعات حاد اجتماعی مانند آلودگی هوا، قطع درختان، تخریب جنگل، و شکار پرندگان اشاره می‌کنند و از این بابت اظهار نگرانی می‌کنند. باتوجه به جدول ۶، ۳۰/۹۲ درصد شاعران نگاه زیست‌محیطی داشته‌اند.

آی جنگل، آی جنگل، زار کیست؟

صید سار و داروگ‌ها کار کیست؟

(حسن‌پور ۱۳۹۴: ۴۹)

روستا را

به‌دار آویختند

بافتند، بافتند

بی‌پرنده و بی‌درخت

(بنی‌شیخ ۱۳۹۰: ۴۷)

قرار بود

درخت انجیر حیاطمان را قطع کنند

تم را به تنش بستم

بی‌خیالمان شدند

(ملکی ۱۳۸۶: ۷)

خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی - اقلیمی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۳۹

این چه پیچ‌وتابی است که تو می‌خوری بشر؟  
ای مادر دُرناها<sup>۳۶</sup> آگاه باش!  
که نسل‌های مارهای باستانی هم به‌خطر افتاده  
نسل مارهای اصیل  
با این سموم تضمین‌شده...

(آقاجانی ۱۳۹۶: ۳۰)

درخت، معنی هیزم نمی‌دهد... اما  
بین چه برسر این بنده خدا رفته؟!  
درخت یعنی: هیزم! - منم - که سوختیم  
به بی‌صدایی بغض درخت‌ها رفته

(دهرویه ۱۳۸۷: ۳۳)

درحالی‌که من ممکن است نارنگی نباشم  
کرم نقش مهمی در ادامه عاشقی دارد

(مهدیان ۱۳۹۲: ۳۹)

و چون آخرین درنا  
فقط تنهایی را  
با خودمان به‌هم‌راه می‌آوریم

(براری ۱۳۹۵: ۶۰)

... دیگر تبرها تاروپود ریشه را خوردند  
در کوه‌ها و صخره‌ها شام غریبان بود  
وقتی که طعم ضربه‌های تیشه را خوردند...

(جعفری خورشیدی ۱۳۹۳: ۶۰)

آفتاب صبح‌گاهی  
چشم می‌تاباند از کوه‌پایه‌های زغالی البرز  
هوای سربی تهران

(رئیزی ۱۳۹۲: ۴۶)

### ۳. نتیجه‌گیری

برایند این پژوهش باتوجه‌به تحلیل داده‌های آماری از ۲۲۵ دفتر شعر پنجاه شاعر فارسی‌سرای مازندران عبارت است از:

- شاعران مازندران، در فرایند تأثیرپذیری از آب‌وهوای معتدل و مرطوب، شاخصه‌های بومی- اقلیمی را به‌همراه دستاوردهای فکری- فرهنگی مردم مازندران در گزاره‌های خیالین خود به‌تصویر کشیدند.

- در سروده‌های شاعران برجستگی‌های جغرافیایی با چهار خُردشاخصه محیط طبیعی، آب‌وهوا، گیاهان، و حیوانات بسامد بیش‌تری داشته است. آنان عمدتاً با بهره‌وری از راه‌بردهای استعاره‌ای به انعکاس تصویر ساده و واقعی طبیعت مازندران پرداختند، چنان‌که همواره در شعر با طبیعت تعامل و گفت‌وگو داشتند که به‌نوعی طبیعت در خیال و واژگان شعرشان حلول کرده و جزئی از شعرشان شده است. در این جهت، شاعران به‌صورت خودآگاه و ناخودآگاه، به بیان آمال و آرزوها و دردها و رنج‌های خود پرداخته‌اند، به‌طوری‌که تعدادی از عناصر در سروده‌هایشان تکرار معناداری داشته است.

- کلان شاخصه اجتماعی- فرهنگی، با پنج خُردشاخصه آداب‌ورسوم و باورها و اعتقادات، واژگان بومی، سنت و مدرنیته، موسیقی، و نگاه زیست‌محیطی، نمود قابل‌ملاحظه‌ای در سروده‌های شاعران مازندران داشته است، چنان‌که از پنجاه شاعر، ۴۲ شاعر به توصیف درونی فرهنگ مردمی خاص با ارزش‌های تازه و متفاوت پرداختند. در این جهت، شاعر اقلیمی نگاهی نو به پدیده‌های پیرامون خود دارد، به‌گونه‌ای که افکار و روحیاتش آمیخته از تضادها و کشمکش‌هاست، زیرا شعر مدرن مجاللی برای عرضه فرهنگ پُربار قومی است و شاعر با پشتوانه این فرهنگ آفرینش‌گر طرحی تازه است. این تأثیر و تأثرها در روساخت و ژرف‌ساخت شعر نمود پیدا می‌کند. به همین منظور، می‌توان گفت تجربیات زیستی شاعران با هم‌پیوندی عناصر فرهنگی و باورهای قومی با دیگر هنر کلامی هم‌ساز شده و آثار مطلوبی را در جامعه به‌بار نشانده است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. قالب «سه‌گانی» از نهم خرداد ۱۳۸۹ در فضای مجازی به عرصه شعر فارسی گام نهاد. شعری با فرم جدید است که از سه مصراع یا سه سطر تشکیل و در سطر سوم، ضربه نهایی زده می‌شود؛

## خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی - اقلیمی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۴۱

یعنی فرم بیرونی کلی یا سه‌لختی و فرم درونی کلی یا بسته و کوبشی است. از میان ویژگی‌های بنیادین سه‌گانی، دو ویژگی «کوتاه» بودن و «سه‌لختی» بودن به ترتیب کمیت هندسی و عددی سه‌گانی را می‌سازند و با یکدیگر، بنیاد «فرم‌مکانیک» آن را تشکیل می‌دهند. علیرضا فولادی مبدع این قالب و نویسنده کتاب *بوطیقای سه‌گانی* است (فولادی ۱۳۹۴).

۲. فرامرز سلیمانی بنیان‌گذار یک خیزش ادبی در ایران بود که به جریان «موج سوم» شهرت پیدا کرد. شعر موج سوم شعر لحظه‌ها، شعر برداشت، و ایجاز است. شعری در نگاهی تند و تصویری که دمی در خود تمام می‌شود. شعر راستین این دوران که تکرار و کپی‌برداری نمی‌تواند باشد و تازگی زندگی را جست‌وجو می‌کند. این گونه شعر (شعر ایجاز موج سوم) را می‌توان میراث رباعی دانست (سلیمانی ۱۳۶۶).

۳. «اساشعر» به معنی «شعر اکنون»، «شعر حالا»، و «شعر این زمان» کوششی دیگر در کارنامه شعر تبری است. اساشعری است موجز و بیش‌تر به کوتاهی می‌رود و زائیده پیشینه‌های خود است، اما برای زمان و مکان حال از چهار دانه‌های امیر پازواری و نیما آبخور گرفته است.

۴. احسان مهدیان در مصاحبه‌ای با نویسندگان می‌گوید که «ارتعاش» شعری اعتراضی، چالش‌برانگیز، و شامل مجموعه‌ای از رفتارهای اجتماعی در گفتارهای متعدد است که خط و معیار روشن و قطعی برای شناخت آن وجود ندارد. ضرورت گرفتن المان‌های مدرن، دادن المان‌های سنتی، و واردکردن روحی تازه به شعر از اهداف اصلی این نوع شعر است. تفاوت آن با شعر پست‌مدرن در آرمان‌گرایی و ایدئولوژی‌محوری آن است، هرچند دانش بشری نسبی است. زبان و آنچه در شعر ارتعاش ریشه گرفته، خود جامعه است؛ شعری که درمقابل دیکتاتوری زبان به دهن کجی ایستاد و برای خود تعهدی دارد که به ادبیات تلنگری بزند تا از کهنه‌شدن مضامین، کلیشه، و تکرار نجات یابد.

۵. متن سیاه:

عنوان «متن سیاه» حکایت از نام و عنوان خاص ندارد و متعین است و جریان و رویکرد مشخص و تمام‌شده‌ای ندارد. به جای متن سیاه می‌توان واژگان دیگری گذاشت، اما به‌طور عام متن سیاه درمقابل هرگونه تلقی روشن و سپید و شفاف از زبان و متن و نوشتار و گفتار دارد. به‌لحاظ تاریخی به تمایز با شعر سپید و تمامی رویکرد کلاسیک و سنتی به زبان، سیاه به‌مثابه امری دور از دست‌رس، شناخته‌ناپذیر، فاقد حدود، گنگ و تاریک،... بازی‌ای از یک بازی، استعاره‌ای از یک استعاره، چهره‌ای پسین در پستوی زبان، و... به‌اجمال این‌که سیاه یک ناویژگی است از این جهت که هرگونه شفافیت و وضوح هستی‌شناسانه و شناخت‌شناسانه و ارزش‌شناسانه معطوف به زبان را وا پس می‌زند... در ساختارزدایی، متن با جوهی سیال‌تر به جای ساختار می‌نشیند (خبازی ۱۳۹۹: ۷-۸)

۱۴۲ ادبیات پارسی معاصر، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

۶. نام درختی در جنگل‌های مازندران.
۷. نام درختی در جنگل‌های مازندران.
۸. نام درختی در جنگل‌های مازندران.
۹. کیسه گلیم‌بافتی که روستاییان در آن توشه سفر می‌گذاشتند.
۱۰. نوعی چراغ نفتی با شیشه‌ای بلند.
۱۱. نوعی گوزن از نژاد گاو کوهی.
۱۲. گاو نر جوان.
۱۳. فانوسی که کشاورزان در مزارع برای راندن گراز می‌آویزند.
۱۴. شالی‌کار.
۱۵. جالیز برنج.
۱۶. مکانی برای استراحت چوپان و گالش در جنگل.
۱۷. تنور خانگی.
۱۸. نوعی زیرانداز پشمی
۱۹. زالزارگ وحشی.
۲۰. شیرینی محلی با کنجد.
۲۱. جیغ.
۲۲. پروانه.
۲۳. نوعی گیاه وحشی خاص اقلیم مازندران.
۲۴. مرد بزرگ.
۲۵. نام درخت.
۲۶. مطابق افسانه‌ای در شمال نام بانوی جنگل است که موجب طراوت و زیبایی جنگل مازندران است.
۲۷. حلزون.
۲۸. آمدی که بروی.
۲۹. نوعی پرندۀ صحرایی کوچک.
۳۰. این قسمت از شالیزار.

خوانش برجستگی‌های زبانی و بومی - اقلیمی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۴۳

۳۱. چهارپادار (اصطلاحی است در خرمن‌کوبی برنج؛ نگه‌دارنده و مراقب اسب).

۳۲. نام‌زد کیودبخت.

۳۳. علف.

۳۴. دختر.

۳۵. یاری‌گر هنگام کار و کشاورزی.

۳۶. تک «درنای امید»: پرنده‌ای که چندین سال است از مناطق سرد روسیه، طی مسافت شش‌هزار کیلومتری، زمستان‌ها به تالاب فریدون‌کنار مهاجرت می‌کند. متأسفانه شکارچیان جفت این پرنده را شکار کردند، شکار این پرنده موجب تک‌درخاطر شعرا شده است.

## کتاب‌نامه

- آبان، علی (۱۳۸۶)، پنج‌شنبه‌ها با تو، تهران: هنر رسانه اردیبهشت.
- آبان، علی (۱۳۸۷)، ساعت نه‌وربع به عقربه آویخته می‌شوم، تهران: هنر رسانه اردیبهشت.
- آقاجانی، شمس (۱۳۹۶)، چرا آخرین دُرنا باز نمی‌گردد، تهران: بوتیمار.
- احمدی، مسعود (۱۳۹۴)، روش تحقیق، تهران: پژوهش‌های فرهنگی.
- احمدی، محمود (۱۳۸۸)، لباس صورتی‌ات برگل بهار سراسر است، تهران: افراز.
- احمدی، محمود (۱۳۸۹)، هی تند نرو که راه بی‌پایان است، تهران: افراز.
- احمدی، محمود (۱۳۹۶)، تا کنار درخت گیلاس، تهران: اسطوره.
- افشنگ، رجب (۱۳۸۹)، گزیده شعر ناب‌اداران را می‌شناسم، تهران: تکا.
- الیکایی، نرگس (۱۳۸۱)، مجموعه‌اشعار درختان صلح، تهران: عمران.
- باباچاهی، علی (۱۳۸۱)، سه دهه شاعران حرفه‌ای، تهران: ویستار.
- باقری آندرسی، فرزانه (۱۳۸۶)، و خداوند عشق را آفرید، نوشهر: عدن.
- بذرافشان، رجب (۱۳۸۱)، دل‌کبودی‌های پاییزی، ساری: مؤلف.
- بذرافشان، ر. و ج. اکبری (۱۳۸۲)، از هفتاد که بگذریم، تهران: پویند.
- براری، محمدرضا (۱۳۹۶)، دیگر اشتباهی عاشق شدن ندارم، تهران: شب چله.
- براری، محمدرضا (۱۳۹۵)، شباهت، تهران: شب چله.
- براهنی، رضا (۱۳۶۲)، قصه‌نویسی، تهران: نو.
- بزرگی نوشهری، بهمن (۱۳۸۸)، پرنیان؛ دیوان کامل بزرگی، تهران: شلاک.

- بنی‌شیخ‌الاسلامی، مسعود (۱۳۹۰)، سکوت به‌سوگ نشسته، آمل: وارث‌وا.  
بهرام‌پرور، سیامک (۱۳۹۴)، به‌رنگ نارنگی، تهران: نیماژ.  
پارساپور، زهرا (۱۳۹۱)، «بررسی ارتباط انسان با طبیعت در شعر»، مجله‌ادب فارسی، س ۲، ش ۱.  
پیرزاد، ناصر (۱۳۷۷)، عاشق بی‌بلیط، تهران: پاسارگاد.  
پیرزاد، ناصر (۱۳۹۰)، عصر پیرزاد، تهران: داستان.  
پیروز، غلامرضا (۱۳۹۰)، واژگانی چشم به راه اضطراب‌اند، تهران: دبیزش.  
توکلی، افسانه (۱۳۹۶)، مرا تابستان کن، تهران: اقلیما.  
جعفری خورشیدی، حنیف (۱۳۹۳)، بی‌هوا بی‌حواس شدم؛ مجموعه غزلیات، تهران: فرهنگ عامه.  
جعفری خورشیدی، منصور (۱۳۹۳)، آبی ناگهان، تهران: فصل پنجم.  
جعفری خورشیدی، منصور (۱۳۹۶)، پروانه‌های پراکنده، تهران: نگاه.  
جوادیان کوتایی، محمود (۱۳۸۷)، از کوچه‌های اسطوره، تهران: اشاره.  
حسن‌پور، حسن (۱۳۹۴)، مرگ نام خانوادگی‌ام، تهران: نیماژ.  
حسن‌پور، عباس (۱۳۸۰)، این شعر درخت خواهد شد، رشت: حرف نو.  
حسن‌پور، عباس (۱۳۹۴)، کلماتی شبیه کلید، آمل: وارث‌وا.  
حسن‌پور، عباس، علیرضا قاسمی، و ابراهیم فلاح (۱۳۹۵)، «نقدوتحلیل مجموعه سروده‌های محمد زهری با تأکید بر محتوا و درون‌مایه»، دوفصل‌نامه علوم ادبی، س ۶، ش ۸.  
حکمتی، علیرضا (۱۳۹۰)، درخت تنها ماند، تهران: هنر رسانه‌ی اردیبهشت.  
خادمی کولایی، مهدی (۱۳۸۵)، آشنای شالیزار؛ پژوهشی در زندگی و شعر سلمان، ساری: شلفین.  
خانجانی، طاهره (۱۳۹۴)، پرندگان سربه‌هوا، تهران: فصل پنجم.  
خبازی، مهدی (۱۳۸۴)، این کتاب اسم ندارد، تهران: قصیده‌سرا.  
داودی حموله، سریا (۱۳۹۳)، آنتولوژی شعر شاعران معاصر؛ کلمات بیش از آدمی رنج می‌برند، تهران: قطره.  
دهرویه، علیرضا (۱۳۸۷)، شغل جدید ابلیس، تهران: هزاره ققنوس.  
رئیس، محمدصادق (۱۳۹۲)، آواز فاخته در آپارتمان اجاره‌ای، تهران: سولار.  
رزاقی، مریم (۱۳۸۹)، حق با تو بود، تهران: فصل پنجم.  
رضازاده، محمدعلی (۱۳۹۰)، مرد مه‌آلود، تهران: هنر رسانه‌ی اردیبهشت.  
رضازاده، محمدعلی (۱۳۹۵)، ترانه‌های تمدن، تهران: نیماژ.  
رنجبر، میثم (۱۳۹۱)، دندان‌درد، تهران: هزاره ققنوس.



خوانش برجستگی های زبانی و بومی - اقلیمی ... (عبدالرضا شیردست و دیگران) ۱۴۵

زهری، محمد (۱۳۸۱)، برای هر ستاره، تهران: توس.

سلیمانی، فرامرز (۱۳۶۸)، آوازه های ایرانی، تهران: نگاه.

شیردست، عبدالرضا و دیگران (۱۳۹۸)، «سبک‌شناسی مجموعه شعرهای شاعران فارسی‌سرای مازندران با رویکرد لایه‌ای»، ماه‌نامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، س ۱۳، ش ۵.

شیردست، عبدالرضا و غلامرضا پیروز (۱۴۰۰)، «لحن عامیانه و شگردهای آن در شعر فارسی امروز مازندران از ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰»، دو ماه‌نامه فرهنگ و ادبیات عامه دانشگاه تربیت مدرس، س ۹، ش ۳۸.

صابر، فرهاد (۱۳۷۲)، آیش سبز، آمل: مؤلف.

صادقی، فاطمه زهرا، غلامرضا پیروز، و زهرا پارساپور (۱۳۹۸)، «کاربست شاخصه‌های اقلیمی - فرهنگی در شعر معاصر مازندران در راستای تقویت فرهنگ بومی (با رویکرد به سروده‌های اسدالله عمادی، علی‌اکبر مهجوریان، و جلیل قیصری)»، مجله علمی - پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، دوه هشتم، ش ۱.

صفوی، کوروش (۱۳۷۳)، از زبان‌شناسی به ادبیات، تهران: چشمه.

علا، افشین (۱۳۸۸)، کودکانه‌ها و غزل، تهران: انجمن شاعران ایران.

علی‌پور، مصطفی (۱۳۷۲)، از گلوی کوچک رود، تهران: حوزه هنری.

علی‌پور، مصطفی (۱۳۹۴)، در پیراهن اردیبهشت، تهران: شهرستان ادب.

عمادی، اسدالله (۱۳۸۶)، آخرین ایستگاه جهان، تهران: اشاره.

عمادی، اسدالله (۱۳۹۵)، بازگشت به سرزمین مادری، ساری: هاوژین.

فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)، تهران: سخن.

قنبری، ایرج (۱۳۸۸)، گزیده اشعار باغ ترانه، تهران: نکا.

قیصری، جلیل (۱۳۷۳)، از کنگه‌لو تا کومه‌های دور، نوشهر: مؤلف.

قیصری، جلیل (۱۳۹۳)، هنوز کو تا سپیدخوانی این برف، تهران: ابتکار.

کرم‌دخت، شعبان (۱۳۸۰)، این همه دل‌تنگی، بابلسر: روجین.

کسمایی، الهه (۱۳۷۷)، «دریا در شعر شاعران جنوب»، گل‌چرخ، ش ۱۹.

گری، مارتین (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، ترجمه منصوره شریف‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

محمدجانی، صدیقه (۱۳۹۴)، مجموعه رباعی پروانه دلش به عشق عادت دارد، اندیمشک: اریترین.

محمدی، تقی (۱۳۷۴)، ترانه‌های تمشک و باران، تهران: آرست.

- محمدی، تقی (۱۳۷۷)، دختران پرتقال‌چین، تهران: آرست.
- ملک‌زاده، فاطمه (۱۳۹۴)، خمیازه‌انجیرهای پاییز، تهران: شلاک.
- ملکی، کیوان (۱۳۸۶)، شکوفه‌ای برای سیب‌شدن تقلا می‌کند، تهران: افرا.
- معتقدی، محمود (۱۳۹۱)، گزیده اشعار، تهران: مروارید.
- مهجوریان نماری، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، دیار خانه‌های بارانی، ساری: شلفین.
- مهجوریان نماری، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، از این حوالی بارانی، آمل: شمال پایدار.
- مهدیان، احسان (۱۳۹۲)، لیلایی‌ها در نیایش باران، ساری: شلفین.
- هراتی، سلمان (۱۳۶۸)، دری به خانه خورشید، تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- مؤذنی، علی‌محمد و یعقوب زارع ندیکی (۱۳۹۷)، «بررسی عنصر لحن و کارکرد آن در الهی‌نامه عطار»، فصل‌نامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۴۸.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸)، فرهنگ فارسی عامیانه، تهران: نیلوفر.
- نشاطی، بهمن (۱۳۸۲)، خاطرات تو و دل‌تنگی، گرگان: مختومقلی.
- نصری، تیرداد (۱۳۹۳)، دو قدم مانده به خاکستر، تهران: سولار.
- نیتلی، علی (۱۳۹۱)، ویروس‌ها در دلم سرما خورده‌اند، تهران: روزگار.
- نیتلی، علی (۱۳۹۶)، زیبایی صعب‌العین، تهران: مایا.
- یاغی‌تبار، علی‌اکبر (۱۳۹۳)، دمه‌های بی‌وادم، تهران: نیماژ.
- یاوری، مجتبی (۱۳۹۵)، جار، تهران: شب چله.
- یاوری، مجتبی (۱۳۹۵)، راوی، تهران: شب چله.
- یوسفی، صفر (۱۳۸۱)، سبزیپوش بارانی، آمل: وارث‌وا.
- هنله، پل (۱۳۷۲)، «زبان و اندیشه و فرهنگ»، ترجمه یدالله موقن، کلک، ش ۴۵، ۴۶.